



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://ijs.isri.ac.ir>

Autumn 2025 & Winter 2026

The Necessities of Civilizational Activism with Emphasis on Shahid Ayatollah Khamenei's Statements

Mohammad Mohammadifar*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.515481.1174>

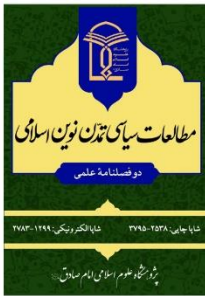
Received: 2025/04/08 - Revised: 2025/05/26 - Accepted: 2025/07/17

Article Type: Promotional Article

Abstract

One of the prerequisites for building the New Islamic Civilization is civilizational agency and the alignment of individual and social behaviors with it. The harmonization of behavior with Islamic and civilizational principles is essential, and practical commitment to it is considered a significant step toward the formation of the New Islamic Civilization. Accordingly, this study employs a descriptive-analytical method to examine behavioral requirements across four civilizational domains: political, economic, cultural, and social. The findings indicate that in the political domain, “establishing Islamic laws,” “ensuring security,” and “promoting justice” are the three main governmental responsibilities, while “supporting the Islamic system,” “adhering to Islamic laws,” and “monitoring and accountability” are key public duties. In the economic domain, behavioral actions should align with three overarching principles: “work and effort,” “economic patience and resilience,” and “avoiding economic corruption.” In the cultural domain, “religious and spiritual commitment,” “adherence to ethical principles,” “scientific orientation,” and the “Iranian-Islamic lifestyle” are identified as fundamental categories requiring attention. In the social domain, “national unity and Islamic cohesion,” “self-sacrificing interaction,” and “responsibility” constitute the main axes. Commitment to these principles by members of Islamic society significantly facilitates the path toward establishing the New Islamic Civilization.

Keywords: Political Requirements; Economic Requirements; Cultural Requirements; Social Requirements; New Islamic Civilization.



*. Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Humanities, Sayyed Jamaledin Asadabadi University, Asadabad, Iran, m.mohammadifar@saju.ac.ir



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی

P. ISSN: 3796-2338 & E. ISSN: 2783-1299

نشانی پانگه شهری: http://sjs.isri.ac.ir

پاییز و زمستان ۱۴۰۴

بایسته‌های کنشگری تمدنی با تأکید بر بیانات شهید آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام

محمد محمدی فر*

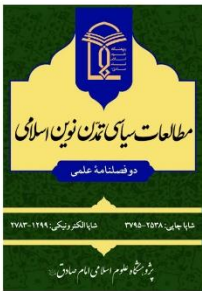
Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.515481.1174>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ - تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۶
نوع مقاله: ترویجی

چکیده

از الزامات تمدن‌سازی نوین اسلامی، کنشگری تمدنی و تناسب رفتارهای فردی و اجتماعی با آن است. همسویی رفتارهای فردی و اجتماعی با قواعد اسلامی و تمدنی، یک ضرورت است و التزام عملی به آن، گامی بلند در جهت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی تلقی می‌شود. براین پایه، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، الزامات رفتاری در چهار رکن تمدنی-سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی- را بررسی می‌کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در حوزه سیاسی، «پی‌ریزی قوانین اسلامی»، «ایجاد امنیت» و «ایجاد عدالت»، سه وظیفه مهم حاکمیتی و در مقابل «پشتیبانی از نظام اسلامی»، «تمکین از قوانین اسلامی» و «نظارت و مطالبه‌گری» سه وظیفه مهم مردمی است. در حوزه اقتصادی، کنش‌های رفتاری باید با سه کلان‌محور «کار و تلاش»، «صبر و استقامت اقتصادی» و «دوری از مفاسد اقتصادی»، همسویی داشته باشد. «تقید دینی و معنوی»، «پایبندی به اصول اخلاقی»، «علم‌گرایی» و «سبک زندگی اسلامی-ایرانی» نیز چهار مقوله اساسی است که باید در نظام فرهنگی مورد توجه قرار بگیرد. «وحدت ملی و انسجام اسلامی»، «تعامل ایثارگرانه» و «مسئولیت‌پذیری» نیز سه محور کلی در حوزه اجتماعی است که پایبندی آحاد جامعه اسلامی به آن‌ها، مسیر پایه‌ریزی تمدن نوین اسلامی را تا حدود زیادی هموار می‌سازد.

واژگان کلیدی: الزامات سیاسی، الزامات اقتصادی، الزامات فرهنگی، الزامات اجتماعی، تمدن نوین اسلامی.



* استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی،
دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سید جمال
الدین اسدآبادی، اسدآباد، ایران.
m.mohammadfifar@siau.ac.ir

مقدمه

کنش‌های رفتاری، همواره یکی از حوزه‌های مهم مطالعاتی بوده است، تا جایی که برخی روانشناسان، به روان‌شناسان رفتارگرا شهره شده‌اند. جان واتسون، پاولوف و اسکینر، برخی از این چهره‌ها هستند. در این پدیده، شیوه‌های تحلیلی در شخصیت‌شناسی کنار گذاشته می‌شود و «رفتار» معیار و مبنا قرار می‌گیرد. طرفداران این مکتب، معتقدند که همه‌چیز در قالب رفتار، قابل‌رصد و اندازه‌گیری است و شناخت شخصیت انسان‌ها، منوط به آشنایی با ویژگی‌های رفتاری آن‌هاست. براین‌پایه، می‌توان همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان را مطابق با رفتار آن‌ها موردسنجش قرار داد (کرام‌الدینی، ۱۳۹۷: ۴۸).

براین‌اساس، واکنش‌های رفتاری، ارتباطی مستقیم در زندگی افراد دارد. تمدن اسلامی نیز به مثابه یک تمدن دینی که برخاسته از آموزه‌های الهی است، الزاماتی در حیطه رفتاری برای آحاد جامعه اسلامی ایجاد می‌کند که آن را با سایر تمدن‌ها متمایز ساخته و معتقدین به اسلام را ملزم به نوعی خاص از رفتارها می‌کند. بنابراین، بخش قابل‌توجهی از مقوله‌های تمدنی به بایدها و نبایدهای رفتاری تعلق می‌گیرد. اساساً جامعه اسلامی که بستری برای تحقق تمدن نوین اسلامی است، نمی‌تواند و نباید به رفتارهای غیر اسلامی بی‌توجه باشد. ازاین‌رو، واکنش‌های رفتاری چه در حوزه فردی و چه در حوزه اجتماعی، در ادامه حیات تمدنی اسلام بسیار بااهمیت است. تأثیر فرد در جامعه و نیز تأثیر جامعه بر فرد، مقوله‌ای دوسویه است که هر یک الزامات خاص خود را دارد و بر دیگری تأثیر می‌گذارد. ازاین‌رو، رفتار فردی و رفتار اجتماعی دو کلیدواژه مهم در تمدن‌سازی است که اگر بر پایه هنجارهای دینی شکل بگیرد، قابلیت ساخت تمدنی متناسب با آموزه‌های اسلامی را دارد، و اگر با هنجارهای دینی بیگانه باشد، روند تمدنی را با چالش روبرو می‌سازد. بنابراین، معیار سنجش رفتار تمدنی در تمدن نوین اسلامی، رفتارهایی است که تطابق با آموزه‌های دینی داشته باشد. چنان‌که علامه طباطبایی، ذیل آیه شریفه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ...» (اسراء: ۸۴)، واژه «شاکله» را مذهب و طریقتی می‌داند که انسان را وامی‌دارد تا به مقتضای آن رفتار کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۲۶۲). ازاین‌رو، دین برنامه‌ای همه‌جانبه برای تنظیم

کنش‌های رفتاری ارائه می‌دهد که مسلمانان ملزم به رعایت و همسویی با آن هستند. براین اساس، می‌توان گفت که نظام‌واره رفتاری در تمدن نوین اسلامی، برگرفته از آموزه‌های ثابت و پایدار دینی است.

با حفظ این توضیحات، تحقیق حاضر در پی تبیین این مسئله است که چه بایسته‌های رفتاری در ظهور و بروز تمدن نوین اسلامی نقش اساسی دارند و چه الزاماتی در رفتارهای فردی و اجتماعی وجود دارد که می‌تواند ظرفیت‌های تمدنی اسلام را فعال کند و ما را در تحقق تمدن نوین اسلامی یاری رساند.

درباره پیشینه تحقیق، باید گفت در بین تحقیقات متعددی که پیرامون مقوله‌های تمدنی و به‌ویژه «تمدن نوین اسلامی» سامان یافته است، تنها مقاله‌ای با عنوان «واکاوی شاخص‌های بارز سلامت رفتاری در تمدن اسلامی با رویکردی بر قرآن و حدیث» تدوین فرشته دارابی (۱۳۹۸) به این موضع نزدیک است که محقق محترم با رویکرد اخلاقی، به بررسی شاخص‌های رفتاری پرداخته است و از کلیدواژه‌های «تواضع و فروتنی»، «نرمش و مدارا»، «صداقت» و... به‌عنوان ارکان اصلی تحقیق بهره برده است. این در حالی است که پژوهش پیش‌رو با نگاهی کل‌نگر به سازواره تمدنی، به بایسته‌های رفتاری در چهار حوزه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه کرده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. رفتار

در حوزه روانشناسی، بیشتر بر بُعد فردی رفتار تکیه شده است و در تعریف آن گفته شده: رفتار نوعی از کنش‌های فردی است که در حالتی عادی یا در شرایطی خاص از فرد بروز می‌کند. به‌گفته برخی، «رفتار فردی» رفتاری است که در چهارچوب فرهنگ مادی و معنوی از فرد سر می‌زند (شایان‌مهر، ۱۳۷۷: ۲۸۲). از سوی دیگر، در روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی، بُعد اجتماعی رفتار مورد توجه قرار گرفته و محققان این علم معتقدند که «رفتار اجتماعی» عبارت است از روش‌ها و شیوه‌های عملی مجموعه‌های اجتماعی که رفتار اجتماعی همه افراد وابسته به آن مجموعه، از نوعی یکنواختی و ثبات برخوردار است؛

زیرا رفتارهای اجتماعی معمولاً ماندگاری دارند (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۰). از این رو، برخی از محققان بر آن هستند که «رفتار اجتماعی» از گروه خاصی در چارچوب فرهنگ مادی و معنوی بروز پیدا می‌کند (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۲۸۲). با این همه، آنچه رفتارهای فردی و رفتارهای اجتماعی را به یکدیگر نزدیک می‌سازد و نقطه اشتراکی آن‌ها محسوب می‌شود، هنجارهایی است که رفتارها بر پایه آن‌ها شکل می‌گیرد؛ زیرا رفتارها با هنجارها ارتباطی ناگسستگی دارند. به گفته کوئن، هنجارها الگوها یا معیارهای رفتاری تلقی می‌شوند (کوئن، ۱۳۸۳: ۷۴). از این رو، گیدنز معتقد است که هنجارها، اصول و قواعدی معین هستند که بایدها و نبایدهای اجتماعی را نشان می‌دهند و انتظار می‌رود که آحاد جامعه به آن‌ها پایبند باشند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۵۶). به گفته گی روشه نیز نظم و انتظام اجتماعی در گروهی رفتارهای معینی از سوی مردم است که ریشه در هنجارها و ارزش‌های اجتماعی دارد (روش، ۱۳۷۶: ۱۶۷). بنابراین، رفتارهای فردی و اجتماعی بازتاب ارزش‌ها و هنجارهایی است که پایه در عقاید، باورها، آداب و رسوم و گرایش‌های مبتنی بر این مقوله‌ها دارند. از این رو، بایسته‌های رفتاری در تحقق تمدن نوین اسلامی، بلید با ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی هم‌خوانی و هم‌سوئی کامل داشته باشد.

۲-۱. تمدن نوین اسلامی

«تمدن نوین اسلامی» اصطلاحی جدید است که پس از انقلاب اسلامی و از سوی شهید آیت‌الله خامنه‌ای در ادبیات تمدنی مطرح شد و مورد توجه تمدن‌پژوهان قرار گرفت. از نگاه ایشان، تمدن اسلامی در شکل جدید خود با نام «تمدن نوین اسلامی» شناخته می‌شود و به معنای «پیشرفت همه‌جانبه‌ای» است که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها، بُعد معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳). نوین بودن تمدن اسلامی، قرائتی جدید از تمدن اسلامی را پیش می‌کشد که با طرح مسائلی نو و ارائه الگوهای جدید و کارآمد، که با مقتضیات زمانی و مکانی نیز سازگاری دارد، به دنبال رفع نواقص و ضعف‌های تمدن پیشین اسلامی است (زمانی محبوب، ۱۳۹۵: ۱۳۶).

۲. بایسته‌های کنشگری تمدنی

بی تفاوتی افراد و آحاد جامعه در اصلاح سبک رفتاری خود، مطابق آنچه خواست اسلام است، امکان پدیداری جامعه اسلامی را با چالش روبرو می‌سازد و در نتیجه، شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را به تأخیر می‌اندازد. به گفته محققان، تنظیم رفتار فرایندی نظام‌مند در جهت رشد و ایجاد رفتارهای بهنجار و پیش‌گیری از رفتارهای نابهنجار است (شجاعی، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۳). بنابراین، انتظار تحقق تمدن اسلامی در گرو اصلاح و تنظیم رفتار و پایبندی به اصول رفتاری متناسب با آموزه‌های اسلامی است. در ادامه، بایسته‌های رفتاری در چهار حوزه تمدنی (حوزه سیاسی، حوزه اقتصادی، حوزه فرهنگی و حوزه اجتماعی) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. الزامات رفتاری در حوزه سیاسی

سیاست یکی از پایه‌های اصلی در هر تمدنی قلمداد می‌شود. در واقع، پیش از ظهور و شکل‌گیری هر تمدنی، وجود یک نظام سیاسی الزامی است. تمدن اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و در رأس آن، وجود حکومتی اسلامی که بستری برای تحقق تمدن اسلامی باشد، ضروری است؛ همان‌گونه که حکومت نبوی نقطه آغازین تمدن اسلامی تلقی می‌شود. امام خمینی، در بیان اهمیت این مسئله، اسلام را به انسانی تشبیه می‌کند که سیاست سر آن است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۴۴۹). بنابراین، در اصل جایگاه سیاست در تمدن اسلامی شکی نیست؛ اما آنچه در اینجا مورد نظر است، الزامات رفتاری است که در عرصه سیاسی اگر محقق شود، دستیابی به تمدن نوین اسلامی هموار می‌گردد و اگر بی‌توجهی صورت بگیرد، فرایند تمدن نوین اسلامی را با کُنْدی مواجه می‌سازد. برخی از محققان، ضمن گروه‌بندی معنایی سیاست ذیل چهار دسته: ۱) سیاست به معنای دولت (دولت‌محور)؛ ۲) سیاست به معنای حکومت (حکومت‌محور)؛ ۳) سیاست به معنای قدرت مطلق اعم از حکومتی یا غیرحکومتی (قدرت‌محور)؛ ۴) سیاست به معنای نوعی رفتار (رفتارگرا)، معنای چهارم را که با رفتار فردی و اجتماعی تطبیق بیشتری دارد، مصداق روشن‌تری برای سیاست می‌دانند (اسکندری، ۱۳۷۸: ۱۰۹-۱۱۲). التزام رفتاری در عرصه

سیاسی دوسویه دارد؛ یک‌سوی آن الزاماتی است که متوجه دستگاه حاکمیتی است و سوی دیگر، آن وظایفی است که افراد جامعه ملزم به رعایت آن هستند. از این رو، در این عرصه رفتار حاکمان و رفتار پیروان توأمان نقش آفرین خواهد بود.

۲-۱-۱. وظایف حاکمیتی

از میان الزامات متعددی که متوجه دستگاه حاکمیتی و مسئولان در نظام اسلامی است، سه محور کلی و فراگیر یعنی «پی‌ریزی قوانین اسلامی»، «ایجاد امنیت» و «ایجاد عدالت» وجود دارد که بیش از هر چیز، حاکمیت اسلامی ملزم به رعایت آن‌ها است. سه عنصری که در کلام امام صادق علیه السلام نیز به عنوان ضروریات اداره جامعه و مردم معرفی شده است.^۱

الف. پی‌ریزی قوانین اسلامی

هرچند در تمدن‌های غیردینی، قانون بر پایه رأی و نظر افراد تصویب می‌شود؛ اما در تمدن دینی و به‌طور مشخص در تمدن اسلامی، یگانه مرجع قانونی که حق قانون‌گذاری دارد، خدای متعال است و قانون‌گذاران بشری باید قوانین را هم‌سو با دستورهای الهی پایه‌ریزی کنند؛ زیرا برخلاف قوانین غیردینی، که دچار خطای انسانی یا در موارد فراوانی گرفتار امیال بشری می‌شود، قوانین الهی به همه ابعاد بشری احاطه داشته و از خطا و انحراف پیراسته است. از این رو، یکی از بدیهی‌ترین و مهم‌ترین وظایف حاکمیتی در نظام اسلامی تقنین و قانون‌گذاری در چارچوب آموزه‌های اسلامی است. در واقع، ساختارها و نهادها در نظام اسلامی، نه در شعار که در عمل و رفتار باید به دنبال تحقق حاکمیت الهی در جامعه باشند. چنان‌که هدف اصلی از انقلاب اسلامی در درجه اول حاکمیت اسلام بوده است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۳/۶). رهبر شهید انقلاب معتقد است دشمنان می‌خواهند که ما در مبانی و در حاکمیت شرع و حاکمیت الله در نظام اسلامی تجدیدنظر کنیم (همان، ۱۳۸۳/۶/۳۱). در صورتی که اگر قوانین اسلامی در کشوری اجرا شود و

۱. ثلاثة أشياء يحتاج الناس طرّاً إلىها: الأمن والعدل والخصب؛ سه چیز است که همه مردم به آن محتاج هستند: امنیت، عدالت و رفاه (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۳۲۰). پرواضح است که مورد سوم (ایجاد رفاه) نیز در سایه قوانین اسلامی قابل دستیابی است.

حکومت اسلامی تشکیل گردد، همه مشکلات از بین خواهد رفت (همان، ۱۳۷۰/۳/۲۸).

از این رو، وضع قوانین اسلامی یکی از الزامات حاکمیت اسلامی است.

ب. ایجاد امنیت

در یک نظام سیاسی، حاکمیت اسلامی وظیفه دارد که امنیت را برای جامعه به وجود بیاورد. در حقیقت، امنیت یکی از مهم‌ترین عناصر در رشد و پیشرفت یک جامعه و به تبع آن پی‌ریزی یک تمدن است. این مسئله آن‌گاه اهمیت می‌یابد که بدانیم همواره موجودیت هر تمدنی، از سوی تمدن‌های دیگر تهدید می‌شود؛ همچنان‌که تمدن اسلامی در طول تاریخ چند بار مورد هجوم قرار گرفته و توانش را از دست داده است و پس از انقلاب اسلامی اراده شکوفایی مجدد کرده است. به هر روی، ایجاد امنیت یکی از الزاماتی است که حاکمیت اسلامی باید خود را بدان ملزم بداند. از این رو، در اسلام به مقوله کسب قدرت برای ایجاد امنیت و پایداری در برابر دشمنان جامعه اسلامی تأکید ویژه‌ای شده است؛ چنان‌که خدای متعال از مؤمنین می‌خواهد برای کسب قدرت و ایجاد آمادگی در برابر دشمنان خدا و اسلام تمام توانشان را به کار گیرند،^۱ یا در آیه دیگر، شدت عمل نسبت به کفار را یک الزام معرفی می‌کند^۲ و در نهایت، به مؤمنین وعده برتری می‌دهد.^۳ از این رو، ویل دورانت معتقد است هیچ دینی به اندازه اسلام پیروان خود را به کسب قدرت تشویق نکرده است (دورانت، ۱۳۳۷، ج ۱۱: ۳۲۸) البته ناگفته پیداست که در منطق اسلام، کسب قدرت نه برای تجاوز به دیگران بلکه برای دفاع از مظلومان، ایجاد امنیت در جامعه اسلامی و توان بازدارندگی در برابر مستکبران و تمدن طاغوتی است. بر این اساس، رهبر شهید انقلاب نیروهای نظامی را از ارکان امنیت بخشی در نظام اسلامی می‌داند و معتقد است: «نیروهای مسلح نوک پیکان نظام اسلامی و تمدن الهی و اسلامی در مقابله با دشمنان و بدخواهان و کینه‌ورزان‌اند.» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۶/۲۷)

۱. «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال: ۶۰).

۲. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹).

۳. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹).

ج. ایجاد عدالت

یکی دیگر از الزامات در عرصه سیاسی، که متوجه دستگاه حاکمیتی است، اجرای عدالت در همه سطوح است. به جرئت می‌توان ادعا کرد که مهم‌ترین مرز میان تمدن الهی و اسلامی با تمدن مادی و بشری، التزام و پایبندی به عدالت است. به گفته رهبر شهید انقلاب، اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، طبق منطق اسلام پیشرفتی حاصل نشده است (همان، ۱۳۹۱/۷/۲۲). از این رو، فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. از نگاه شهید آیت‌الله خامنه‌ای، عدالت اجتماعی اسلام تنها با برپایی حکومت اسلامی محقق می‌شود. حکومت اسلامی با عدالت محوری در سطوح مختلف، مانند عدالت اجتماعی، عدالت حقوقی، عدالت قضائی و عدالت اجرایی، می‌تواند عاملی برای جذب ملت‌ها و دل‌های مردم در همه جای دنیای اسلام باشد. ایشان معتقدند عدالت مقوله‌ای است که مخاطب آن جمهوری اسلامی است (همان، ۱۳۷۶/۱/۱) و مسئولان جمهوری اسلامی مخاطبان خاص آن هستند (همان، ۱۳۸۲/۸/۲۳). از نگاه ایشان، مهم‌ترین وظیفه مسئولان کشور این است که به عدالت معنا ببخشند تا مردم عدالت را احساس کنند (همان، ۱۳۸۴/۲/۱۸). از این رو، مطالبه‌گری عدالت از سوی مردم نسبت به همه مسئولان باید به شکل یک گفتمان دربیاید (همان، ۱۳۸۲/۲/۲۲). رهبر شهید انقلاب معتقد است که اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده خواهد بود و جمهوری اسلامی معنی ندارد (همان، ۱۳۸۳/۸/۶). البته اختصاص عدالت به مسئولان از باب رفع تکلیف نسبت به مردم نیست و همه آحاد جامعه اسلامی مخاطب اجرای عدالت هستند و هرکس به قدر وسع خود باید در رفتار فردی و اجتماعی به عدالت پایبند باشد؛ اما با نگاهی کلان به مقوله عدالت، بیش از همه، مسئولان حاکمیتی در نظام اسلامی باید به عدالت محوری و عدالت‌گستری پایبند باشند. حتی زندگی مسئولان در جامعه، می‌تواند خط عدالت را تقویت کند یا خط عدالت را تخریب کند.

رهبر شهید انقلاب، یکی از آفت‌های بزرگ در زندگی مسئولان که عدالت را از بین

می‌برد، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری مسئولان می‌دانند. ایشان معتقدند در جمهوری اسلامی ثروت داشتن و وضع زندگی آن‌چنانی برای مسئولان، یک جنبه منفی است و عدم توجه به آن حرکت به سوی عدالت را مخدوش می‌کند (همان، ۱۳۷۶/۱/۱) و در زمینه اشرافی‌گری می‌فرماید: «زندگی اشرافی و تجملاتی پوچ و بیهوده را تخریب کنید؛ این زندگی واقعاً درخور تخریب است. زندگی تجملاتی نباید به هیچ‌وجه ترویج شود، بلکه باید تخریب شود و نقطه منفی به حساب آید. به هر حال نباید در جامعه از زندگی اشرافی و تجملاتی الگوسازی کنیم.» (همان، ۱۳۸۳/۹/۱۱) از این رو، از نگاه ایشان، اشرافی‌گری بلای کشور است و رفتار مسئولین باید مخالف اشرافی‌گری باشد؛ زیرا خواست اسلام هم همین است (همان، ۱۳۹۵/۵/۱۱).

۲-۱-۲. وظایف مردمی

همان‌گونه که دستگاه حاکمیتی وظایفی در قبال جامعه و مردم دارد، مردم نیز در قبال حکومت اسلامی وظایفی دارند که ملزم به رعایت آن هستند. مطابق فرمایش امام علی علیه السلام: «بزرگ‌ترین حقی که خدا واجب کرده، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است... مردم جز به صلاح حاکمان اصلاح نپذیرند و حاکمان جز به پلیداری مردم، نیکو نگردند، پس هنگامی که مردم وظیفه خود را نسبت به حاکم انجام دادند و حاکم نیز حق آنان را ادا کرد، حق در میان جامعه ارزشمند می‌شود.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷) بنابراین، اگر مردم آن‌طور که باید، وظیفه خود را در قبال حاکمیت اسلامی انجام دهند، فرایند تمدنی با شتاب بیشتری محقق خواهد شد. از میان وظایفی که مردم در قبال حکومت اسلامی دارند، سه محور کلی و فراگیر وجود دارد که بیش از هر چیز، آحاد جامعه اسلامی ملزم به رعایت آن هستند.

الف. پشتیبانی از نظام اسلامی

پشتیبانی و حمایت یکی از اساسی‌ترین وظایف مردمی در مقابل حکومت اسلامی است. حکومت برآمده از اسلام، که داعیه تمدن‌سازی دارد، بدون حمایت و پشتیبانی مردم قادر به حرکت نخواهد بود؛ چنان‌که رهبر شهید انقلاب معتقد است: «ما مسئولان بدون

حمایت مردم چیزی نیستیم و نمی‌توانیم کاری بکنیم.» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۵/۱۱) و می‌افزایند: پشتیبانی مردم از نظام، توفیق حرکت اسلامی را تضمین می‌کند. اگر اعتماد به نظام حفظ شود، مردم پشتیبان واقعی نظام خواهند بود (همان، ۱۳۷۰/۱۲/۱۲). از این رو، دشمنان سعی دارند تا ارتباط مردم با نظام را قطع کنند و برای اینکه پشتیبانی مردم را از نظام اسلامی جدا کنند، سعی می‌کنند اعتقادات آن‌ها را در دفاعشان دخالت‌ندهند (همان، ۱۳۷۸/۴/۷)؛ زیرا پشتیبانی مردم از نظام اسلامی به واسطه ایمان آن‌هاست، برای همین باید مراقب بود تا ایمان آن‌ها ضعیف نشود (همان، ۱۳۸۰/۶/۱۵). درحقیقت، پایگاه مردمی بزرگ‌ترین سرمایه نظام اسلامی است که حرکت نظام را در رسیدن به هدف نهایی، که همان تشکیل تمدن بزرگ اسلامی است، ممکن می‌سازد. به گفته رهبر شهید انقلاب، چون جهت‌گیری حکومت اسلامی درست است و دشمن نیز فشار می‌آورد، مردم موظف‌اند این حرکت عظیم را پشتیبانی و حمایت کنند (همان، ۱۳۶۸/۷/۱۲) ایشان در بیانی دیگر می‌افزاید: پشتیبانی از نظام، یک وظیفه و تکلیف است و خلاف آن، خلاف وظیفه است (همان، ۱۳۶۹/۱۲/۱). البته تاریخ انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که مردم همواره در بحران‌های مختلف حامی نظام اسلامی بوده‌اند و از پشتیبانی نظام دریغ نکرده‌اند. رهبر شهید انقلاب معتقدند که پشتیبانی مردم از نظام اسلامی همه‌جانبه، مستحکم و ریشه‌دار با ریشه‌های ایمانی بوده است (همان، ۱۳۸۵/۸/۲۰). این گفته نشان می‌دهد که مردم نقش خود را در پشتیبانی از نظام اسلامی به خوبی ایفا کرده‌اند؛ یعنی آنجاکه نظام اسلامی در عرصه سیاسی نیاز به مشارکت مردمی داشته، مردم حاضر بودند و آنجاکه نظام از سوی دشمنان در خطر بوده، با جان و مال خود از آن محافظت کرده‌اند. نمونه بارز آن در زمان جنگ تحمیلی بود که بسیاری از جوانان با خون خود از نظام اسلامی حمایت کردند. ایشان بر این نکته نیز تأکید دارند که مسئولان در دستگاه‌های مختلف نباید طوری رفتار کنند که اعتماد مردم از آن‌ها سلب شود و از پشتیبانی مردم محروم گردند (همان، ۱۳۹۷/۶/۱۵).

ب. تمکین از قوانین اسلامی

قانون یکی از الزامات حیات اجتماعی بشری و از ارکان زندگی انسانی است. جامعه

بی‌قانون موجب نابودی، زوال و انحطاط انسان خواهد شد (همان، ۱۳۶۳/۸/۱۸). از سوی دیگر، یکی از ارکان مهم تمدنی، قانون است و تصور یک تمدن بی‌قانون، ممکن نیست. از نگاه رهبر شهید انقلاب، قانون درست و اجرای درست قانون، زمینه را برای تمدن اسلامی پدید می‌آورد (بیانات، ۱۳۹۷/۳/۷). ایشان معتقدند قانون اساسی شکل اجرایی هدفی است که ولایت الهی برای ما ترسیم می‌کند (همان، ۱۳۸۷/۳/۲). از این رو، همه بایستی به قانون احترام بگذارند (بیانات، ۱۳۸۸/۳/۲۹) و اصناف مختلف باید در خدمت قوانین اسلامی و مطیع قوانین باشند (همان، ۱۳۷۰/۴/۱۳) تا قانون در جامعه به صورت یک شاخص، محور و فصل‌الخطاب درآید، و در نتیجه، فرهنگ قانون‌مداری حاکم شود (همان، ۱۳۸۸/۴/۳) و اساساً سعادت، استقلال، آزادی و عزت ما در گروی عمل به همین قوانین است (همان، ۱۳۷۱/۸/۳).

ج. نظارت و مطالبه‌گری

یکی دیگر از وظایف مردم در برابر نظام اسلامی، نظارت بر حرکت کلی نظام است. تفکر انقلابی، که یکی از شاخصه‌های نظام اسلامی است، همگان را مکلف می‌سازد که با دیده خیرخواهی و مراقبت از نظام اسلامی، به دیده‌بانی بپردازند و اگر تخلف یا انحرافی از اصول اسلامی، در هر کجای نظام و در هر سطحی که دیده شد، فوراً به آن واکنش نشان دهند. از این رو، مقوله‌ای به نام مطالبه‌گری در نظام اسلامی مطرح است که این اجازه را به آحاد مردم می‌دهد که در برابر کجی‌ها به مطالبه بپردازند.

آرمان‌های نظام اسلامی که در حقیقت آرمان‌های اسلامی هستند یک مجموعه و منظومه‌ای با مراتب و درجات مختلفی است (همان، ۱۳۹۲/۵/۶) که پایبندی به مجموع آن‌ها ما را به آرمان‌نهایی (تمدن نوین اسلامی) می‌رساند (همان، ۱۳۹۲/۶/۱۴). در مقابل، ضد آرمان‌های یادشده ما را از دستیابی به تمدن نوین اسلامی باز می‌دارد. رهبر شهید انقلاب معتقدند یکی از نیازهای مهم امروز جامعه ما، تکیه و تأکید بر آرمان‌ها است که از طریق مطالبه‌گری نسبت به تحقق این آرمان‌ها، به دست می‌آید (همان، ۱۳۹۷/۳/۷). ایشان تأکید دارند که پرچم مطالبه‌گری و آرمان‌خواهی نباید بر زمین بماند؛ زیرا اگر

مطالبه‌گری و آرمان‌خواهی وجود نداشته باشد، راه گم می‌شود و ما را از رسیدن به هدف نهایی که همان تمدن اسلامی است، بازمی‌دارد؛ البته باید مراقب بود که در مطالبه‌گری نظام اسلامی تضعیف نشود و دشمن سوءاستفاده نکند؛ همچنان‌که مطالبه‌گری با احترام، انصاف، ارائه راهکار و پیشنهاد سازنده باید همراه باشد (همان، ۱۳۹۹/۲/۲۸).

۲-۲. الزامات رفتاری در حوزه اقتصادی

برخی از اندیشمندان، ریشه و اساس هر حرکت تاریخی را اقتصاد و معیشت نوع بشر دانسته‌اند. اهمیت اقتصاد تا جایی است که موجب پدیداری مکتب‌های مختلف اقتصادی شده است.^۱ در تعریف مکتب اقتصادی گفته شده: «مکتب اقتصادی، مجموعه آرمان‌ها، ضوابط، دستورات و احکامی است که باید در زمینه فعالیت‌های اقتصادی توسط فرد رعایت شود تا به وسیله رعایت آن‌ها نظر مکتب تأمین گردد» (سلطان‌محمدی، ۱۳۸۲: ۹۴). بنابراین، نظام اقتصادی و الگوهای رفتاری ناشی از آن در مدیریت امور مالی، یکی از ارکان تمدنی تلقی می‌شود؛ چنان‌که برخی مانند «دورکیم»، «ماوس» و «وبر» اقتصاد را از عوامل اصلی در روند تمدن‌سازی می‌دانند (Swedberg, 2010:88).

به‌هرروی، در نظام اسلامی نیز اقتصاد نقش بسیار مهمی دارد و از نگاه اسلام، تولید ثروت، گسترش رفاه عمومی و تولید بنگاه‌های مهم ثروت‌ساز، نه تنها مذموم نیست، بلکه حائز اهمیت است؛ زیرا ثروتمند کردن جامعه و کشور، یکی از ارکان مهم نظام اسلامی است. البته باید توجه داشت که نوع نگاه اسلام به ثروت با مکاتب دیگر اقتصادی تفاوت دارد؛ به این معنا که از دیدگاه اسلام تنها تولید ثروت ملی و توزیع عادلانه آن است که یک ارزش تلقی می‌شود (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۸/۲۸).

از این رو، رفتارهای فردی و اجتماعی در امور اقتصادی بسیار تعیین‌کننده خواهد بود؛ رفتارهایی که باید در چارچوب خاص باشد و با مکتب اسلام هم‌سوئی داشته باشد. آنچه در زمره بایسته‌های رفتاری در امور اقتصادی مطرح است، بایدها و نبایدهایی است که در آموزه‌های اسلامی بر روی آن تکیه شده است و مرز روشنی میان گرایش‌های اقتصادی در

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: میرجلیلی، نخستین مکتب‌های اقتصادی، مجله فرهنگ، ش ۵۹.

تمدن اسلامی با تمدن‌های غیراسلامی ایجاد کرده است؛ سه عنصر کلیدی در اقتصاد جامعه اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد.

۲-۲-۱. کار و تلاش

مقوله کار و تلاش، یکی از الزامات در پیشبرد اقتصاد جامعه اسلامی است. به گفته رهبر شهید انقلاب، همگان وظیفه دارند که کار و تلاش را سرلوحه زندگی خویش کرده و در سازندگی جامعه اسلامی نقش‌آفرینی کنند (همان، ۱۳۶۸/۷/۲۸). ایشان هم مسئولان را به کار و تلاش برای رفع مشکلات اقتصادی مخاطب قرار داده‌اند (همان، ۱۳۸۴/۵/۱۲) و هم مردم را موظف به کار و تلاش می‌دانند و معتقدند که دشمن می‌خواهد انگیزه کار و تلاش را در میان مردم از بین ببرد (همان، ۱۳۷۳/۳/۱۷). از نگاه ایشان، یکی از کارهای اساسی در زمینه اقتصاد این است که کار و تلاش باید به یک گفتمان در فضای عمومی تبدیل شود (همان، ۱۳۹۴/۶/۴)؛ از این رو، معتقدند که هرکس با کار و تلاش بتواند به اقتصاد کشور کمک کند، یک حرکت جهادی انجام داده است (همان، ۱۳۹۴/۱/۱). به طور طبیعی، در جامعه افرادی هستند که اگر زمینه کار برای آن‌ها مهیا شود، اهل تلاش خواهند بود. بنابراین، در کنار کار، مقوله مهم دیگری به نام کارآفرینی پدید می‌آید. به گفته رهبر شهید انقلاب، وقتی کار این قدر مهم است، پس کارآفرینی هم به همین نسبت حائز اهمیت است و اگر کسی بتواند زمینه کار را فراهم کند، یک عبادت انجام داده است و اساساً کارآفرینی یک ارزش‌آفرینی است (همان، ۱۳۸۹/۶/۱۶).

۲-۲-۲. صبر و استقامت اقتصادی

یکی از الزامات در حوزه اقتصادی، که جامعه اسلامی باید خود را ملزم به آن بداند صبر و استقامت اقتصادی است. به هر حال، در مسیر شکوفایی تمدن اسلامی، ناملایماتی وجود دارد که صبوری و استقامت می‌طلبد. تحریم‌های اقتصادی که از سوی دشمنان اسلام بر جامعه اسلامی تحمیل می‌شود، مهم‌ترین مانعی است که مفهوم استقامت اقتصادی را معنا می‌بخشد؛ چنان‌که در سال‌های آغازین حرکت اسلامی نیز مسلمانان مورد تهاجم اقتصادی قرار گرفتند و سه سال در شعب ابی‌طالب، در سخت‌ترین شرایط اقتصادی مقاومت کردند. اکنون نیز دشمنان

اسلام با فشارهای متعدد اقتصادی سعی دارند تا نظام اسلامی و مردم را از هدف متعالی خود منصرف سازند. پاداش استقامت و دل نیستن به دشمنان اسلام، ره‌آوردی شیرین به دنبال خواهد داشت؛ چنان‌که خدای متعال نوید می‌دهد اگر مسلمانان استقامت کنند و وابستگی اقتصادی خود را از بیگانگان قطع کنند، خدای متعال از فضلش آنان را بی‌نیاز می‌سازد (توبه: ۲۸). بنابراین، یکی از کارهای اساسی در مواجهه با تهاجم اقتصادی دشمن، صبر و ایستادگی و تحمل مشقات است. اما مهم‌تر از آن، حرکت روبه‌جلو اقتصادی و طراحی یک برنامه مدون اقتصادی است که جنبه بازدارندگی نسبت به تهاجم اقتصادی دشمن دارد و فشارهای آن‌ها را خنثی می‌سازد.

قائد شهید انقلاب، مقابله و استقامت اقتصادی در برابر دشمنان را یک الزام برای مسئولان و مردم می‌دانند. ایشان معتقدند که سیاست‌های خصمانه دشمن بر روی اقتصاد متمرکز شده است و مسئولان باید آماده مواجهه با این تهاجم باشند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۱/۱). ایشان در این راستا، کلیدواژه‌ای به نام «اقتصاد مقاومتی» مطرح کردند که اجرای درست آن می‌تواند فشارهای اقتصادی دشمن را مهار کند و فرصت‌های جدیدی را در اختیار ما قرار دهد. از نگاه ایشان، یکی از شاخصه‌های مهم و بلکه ستون اصلی اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است؛ زیرا اقتصاد مقاومتی، اقتصادی درون‌زا است و چنین اقتصادی، متکی به دلنش و علم متخصصان داخلی خواهد بود (همان، ۱۳۹۴/۷/۲۲)؛ همچنان‌که مدیریت مصرف یکی دیگر از ارکان اقتصاد مقاومتی است. هم مسئولان و هم آحاد مردم باید به این مسئله توجه کنند که امروز پرهیز از اسراف و تعادل در مصرف، بی‌شک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است (همان، ۱۳۹۱/۵/۳). «حمایت از تولید ملی»، «تکیه بر مردم»، «مدیریت منابع ارزی» (همان، ۱۳۹۱/۶/۲)، «کاهش وابستگی به نفت» و «حرکت براساس برنامه» (همان، ۱۳۹۱/۵/۳) از دیگر مقوله‌های الزامی در پیشبرد اقتصاد مقاومتی است.

۲-۲-۳. دوری از مفاسد اقتصادی

رهبر شهید انقلاب معتقد است که اقتصاد غیراسلامی بستری برای شکل‌گیری فساد و

توجیه‌کننده عدالت خواهد بود (همان، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹). بنابراین، اگر جامعه اسلامی به مفساد اقتصادی، نظیر «ربا»، «رشوه»، «اختلاس»، «احتکار»، «ویژه‌خواری»، «کلاه‌برداری»، «کم‌فروشی»، «قاچاق» و... حساسیت نداشته باشد و از آن دوری نکند، در عمل توفیق پدیداری تمدن نوین اسلامی را از دست خواهد داد؛ زیرا فساد اقتصادی آفتی بزرگ در مسیر تحقق تمدن اسلامی خواهد بود. از این رو، دو وظیفه همگانی -چه فردی و چه اجتماعی- وجود دارد: یکی دوری کردن از فساد اقتصادی و دیگری، مبارزه کردن با فساد اقتصادی است. از نگاه رهبر شهید انقلاب، دست داشتن در فساد اقتصادی یا چشم بستن بر فساد اقتصادی، حرکت عمومی کشور را کند می‌کند (همان، ۱۳۸۵/۷/۱۸). به همین دلیل، مسئولان موظف‌اند عملاً با فساد اقتصادی نیز مبارزه کنند (همان، ۱۳۹۱/۱۱/۲۸) و درباره ظهور و بروز فساد اقتصادی به شدت حساس باشند؛ زیرا بیماری فساد اقتصادی از بیماری‌های واگیردار بسیار شدید و سریع است (همان، ۱۳۹۰/۵/۲۶). البته مبارزه با فساد اقتصادی، کار سختی است و مفسدین تهاجم می‌کنند؛ اما برای مقابله با شیوع فساد اقتصادی و مالی، باید لباس مبارزه به تن کرد (همان، ۱۳۸۰/۵/۱۱) و باید دانست که مبارزه با فساد اقتصادی یک جهاد واقعی است (همان، ۱۳۸۰/۱۱/۳). این نکته نیز بایسته ذکر است که مبارزه با فساد اقتصادی، گرچه سخت و دشوار است، اما یکی از آثار مهم آن، شکوفایی اقتصادی است؛ زیرا در جامعه‌ای که با فساد اقتصادی و مفسد اقتصادی برخورد می‌شود، سرمایه‌گذاران نیز انگیزه سرمایه‌گذاری پیدا می‌کنند (همان، ۱۳۹۱/۲/۱۰) و در مقابل، اگر با فساد اقتصادی مبارزه نشود، هر سرمایه‌داری تشویق می‌شود که به جای کارهای تولیدی که مشقاتی هم دارد، به کارهای فسادانگیز روی بیاورد (همان، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹). البته باید توجه داشت که پرهیز از فساد و مبارزه با فساد، یک کار جمعی می‌طلبد و نیاز به همدلی و همکاری مسئولان کشوری در همه سطوح و پشتیبانی مردم دارد (همان، ۱۳۸۰/۱۱/۳).

۲-۳. الزامات رفتاری در حوزه فرهنگی

همه محققان تمدن‌پژوه، نقش فرهنگ در تمدن‌سازی را بسیار مهم دانسته و اساس تمدن را بر پایه فرهنگ قابل ترسیم می‌دانند؛ زیرا همه ارکان تمدنی، به نوعی وامدار فرهنگ هستند.

در حقیقت، فرهنگ خط‌مشی‌ء دیگر حوزه‌های رفتاری، از قبیل امور سیاسی، امور اجتماعی، امور اقتصادی و حتی امور نظامی را تعیین می‌کند. رهبر شهید انقلاب با تأکید بر این مسئله، معتقد است که فرهنگ هر کشور، بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور به شمار می‌رود؛ حتی حرکت سیاسی و حرکت علمی نیز در بستر فرهنگی محقق می‌شود (همان، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷)؛ ترکیباتی مانند فرهنگ سیاسی و فرهنگ اقتصادی، ناظر به همین حقیقت است. از این رو، فرهنگ به‌مثابه روح کالبدِ نظامات سیاسی و اقتصادی است (همان، ۱۳۹۰/۳/۲۳) و سنگ‌بنای نظام اسلامی محسوب می‌شود (همان، ۱۳۶۹/۹/۱۹). بنابراین، در اهمیت فرهنگ همین بس که تمدن متکی به فرهنگ است و اگر فرهنگ غنی و قوی وجود نداشته باشد، تمدن در معنای مصطلح و رایج خودش پدید نمی‌آید (همان، ۱۳۹۸/۲/۱۱). در زمینه تمدن نوین اسلامی نیز فرهنگی ملاک است که با تعالیم اسلامی هم‌سویی داشته باشد؛ چنان‌که رهبر انقلاب معتقدند، ما فرهنگی را فرهنگ می‌دانیم که براساس ارزش‌های اسلامی باشد و جامعه را به‌سوی اهداف اسلامی سوق دهد (همان، ۱۳۹۳/۳/۴). در هر صورت، به‌رغم تعاریف متعددی که از فرهنگ شده، از مجموعه سخنان رهبر شهید انقلاب می‌توان فهمید که فرهنگ مقوله‌ای زیربنایی است که هم در حوزه فکری و هم در حوزه رفتاری نقش ایفا می‌کند و به‌نوعی در همه شئون اجتماعی جریان می‌یابد و منجر به هویت‌سازی می‌گردد؛ همان‌طور که ایشان در یکی از بیانات خویش تصریح می‌کنند که فرهنگ به عناصر سازنده فکر و عمل انسان اطلاق می‌شود (همان، ۱۳۹۸/۲/۱۱). در ادامه، چهار محور کلی - که هم‌سو با برخی از تعاریف^۱ - از اجزای مهم در عرصه فرهنگی به شمار می‌روند، مورد اشاره و تبیین قرار می‌گیرد.

۲-۳-۱. تقید دینی و معنوی

معنویت، یکی از مهم‌ترین ارکان فرهنگی به شمار می‌رود. رهبر شهید انقلاب معنویت را یک فرهنگ می‌داند و از آن با نام «فرهنگ معنویت» تعبیر می‌کنند (همان، ۱۳۷۴/۹/۸)؛ ۱۳۹۱/۵/۲۲) و فرهنگ غربی را «ضد معنویت» و «دشمن معنویت» معرفی می‌کنند

۱. تایلور فرهنگ را مجموعه‌ای از دانش، دین، اخلاق و آداب و رسوم (سبک زندگی) می‌داند. (آشوری، ۱۳۷۹: ۴۶).

(همان، ۱۳۹۱/۷/۲۳) و در بیانی دیگر، فرهنگ را همان شاکله معنوی یک ملت می‌دانند (همان، ۱۳۹۰/۳/۲۳).

از این رو، یکی از پایه‌های اصلی در تمدن نوین اسلامی دین و بُعد معنوی آن است. نمی‌توان تمدنی را به نام تمدن اسلامی تصور کرد که خالی از معنویت باشد. البته معنویت و رفتارهای مُنبعث از آن در تمدن اسلامی مانند برخی معنویت‌های نوظهور، امری خودساخته، اختیاری و سلیقه‌ای نیست، بلکه برگرفته از آموزه‌های صحیح دینی است. از این رو، رهبر شهید انقلاب معتقدند که معنویت جدا و فارغ از دین، اساساً معنویت نیست بلکه توهم است (همان، ۱۳۸۸/۸/۶). مطابق این معیار، رفتارهای فردی یا اجتماعی که در چهارچوب دینی و در جهت قرب الهی بروز می‌کند، نظیر «نماز»، «دعا»، «روزه»، «حج» و... از ارزش‌های معنوی و آنچه خارج از دستوره‌های دینی صورت می‌گیرد و موجب دوری از قرب الهی می‌شود، ضدارزش قلمداد می‌شود.

آنچه در اینجا مهم است، التزام رفتاری به امور عبادی و معنوی است؛ یعنی صرفاً اعتقاد و ایمان قلبی و فکری کفایت نمی‌کند. نمی‌توان جامعه‌ای اسلامی را فرض کرد که آحادش به خدا و دستورات الهی ایمان داشته باشند، اما این ایمان در رفتار آن‌ها ظهور و بروز پیدا نکند. «نماز» نمونه‌ای بارز از واکنش رفتاری در امور معنوی است که فرد را ملزم می‌کند رفتاری را با کیفیت مشخصی انجام دهد. البته باید توجه داشت که امور معنوی و عبادی در تمدن اسلامی تنها صورت شخصی و فردی ندارد، بلکه در همه آن‌ها، دامنه اجتماعی قابل‌رصد است. از این رو، امور عبادی و معنوی به‌رغم آنکه در ظاهر، امری فردی و شخصی به نظر می‌رسد، اما کاملاً ظهور و بروز اجتماعی دارد. تفاوت ثواب میان نمازهای فرادا و جماعت، توجه داشتن به باید‌ها و نبایدهای عبادی و معنوی دیگران، در قالب امر به معروف و نهی از منکر و مواردی از این دست، همگی مؤید نگاه اجتماعی اسلام است، که هسته تمدن‌سازی از آن نشئت می‌گیرد.

از این رو، معنویت‌هایی همچون رهبانیت یا تصوف، که دوری‌گزینی از جامعه را سرلوحه خود کرده‌اند، از دیدگاه اسلام مردود است و قابلیت جامعه‌سازی و به تبع آن، تمدن‌سازی

ندارد. بنابراین، هنگامی که از معنویت در تمدن اسلامی سخن گفته می‌شود، تنها مقصود وجه فردی آن نیست، بلکه وجه جمعی آن ملاک است. به عبارت روشن‌تر، التزام به امور معنوی هنگامی ارزش محسوب می‌شود که رفتارهای برآمده از آن در جامعه خودش را نشان دهد؛ برای نمونه، کسی که متعبد به امور عبادی و معنوی است، مهر و عطفوت، فروتنی و تواضع، رعایت حقوق شهروندی، کمک‌های مؤمنانه، گذشت و... در رفتارهای او نسبت به هم‌نوعانش کاملاً مشهود است و اگر غیر از این باشد، معنویت او در سطح فردی باقی مانده است. پس التزام رفتاری به امور معنوی، یک ضرورت در فرایند تمدن‌سازی اسلامی به شمار می‌رود، که از بُعد فردی و خودسازی آغاز می‌شود و به بُعد اجتماعی و جامعه‌سازی ختم می‌شود.

۲-۳-۲. پایبندی به اصول اخلاقی

در تعریف اخلاق گفته شده است که نفس انسان دارای صفاتی می‌شود که به صورت ملکه درمی‌آید؛ به طوری که اعمال و رفتار متناسب با آن صفات، بدون فکر و محاسبه از او صادر می‌شود (فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۹۵). علامه طباطبایی نیز معتقد است که اخلاق، ملکه‌ای نفسانی است که آدمی پس از رسیدن به آن، خود را به فضایل می‌آراید و از رذایل دور می‌کند و اعمال و رفتار او به مقتضای آن شکل می‌گیرد و او را به سعادت و کمال می‌رساند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۵۸). رهبر شهید انقلاب اخلاق را یکی از شعبه‌های فرهنگ (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۹/۲۰) و یکی از شاخص‌های مصداقی فرهنگ برمی‌شمارد (همان، ۱۳۹۰/۳/۲۳).

اخلاق در زندگی آدمی، عنصری کلیدی است و به منزله یکی از پایه‌های تمدن نوین اسلامی، نقشی بنیادین دارد؛ چنان‌که بر پایه برخی از روایات، اساس دین و رسالت، پایبندی به اصول اخلاقی معرفی شده است؛ برای نمونه، رسول خدا ﷺ در روایتی، یکی از مهم‌ترین اهداف رسالت خویش را تمام کردن مکارم اخلاق مطرح کردند.^۱ رهبر شهید انقلاب در

۱. «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ همانا من برای به کمال رساندن مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام. (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۸).

تبيين اين روايت مي‌فرمايد: جامعه‌اي كه از خُلقيات، اخلاق حسنه و مكارم اخلاقي مانند «گذشت»، «برادري»، «احسان»، «عدل»، «حق‌طلبي» برخوردار باشد و از صفات رذيله اخلاقي دور باشد، در بهشت زندگي مي‌كنند (همان، ۱۳۷۶/۹/۷)؛ همچنان‌كه امير مؤمنان □ در روايتي فرمودند: «اگر اميد و باوري به بهشت نداشتيم و از عذاب دوزخ نمي‌ترسيديم و پاداش و كيفري نيز در ميان نبود، باز شايسته بود تا در طلب مكارم اخلاق برآييم؛ زيرا مكارم اخلاق انسان را به رستگاري مي‌رساند» (نوري، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۱۹۳).

از اين رو، در جامعه اسلامي تراز تمدن اسلامي، رفتارهاي مبتني بر ارزش‌هاي اخلاقي، يك اصل است كه آحاد جامعه در عرصه فردي و اجتماعي ملزم به رعايت آن هستند. بنا بر اين، پايبندي به نظام اخلاق اسلامي، يكي از الزامات در شكل‌گيري تمدن نوين اسلامي تلقى مي‌شود؛ زيرا تمدن اسلامي منهاي اخلاق اسلامي، تنها پوسته‌اي از تمدن است كه مزين به نام اسلام شده است و هدف تمدن نوين اسلامي كه نيل به سعادت بشري است را محقق نمي‌سازد. چنانكه رهبر شهيد انقلاب معتقدند، اخلاق يكي از بن‌مايه‌هاي فرهنگ اسلامي است كه بي‌توجهي به آن، ما را از رسيدن به تمدن نوين اسلامي باز مي‌دارد (آيت‌الله خامنه‌اي، بيانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

از اين رو، جهت‌دهي رفتارهاي فردي و اجتماعي به‌سوي رفتارهاي اخلاقي ۱ يك الزام است؛ زيرا، رفتارها و خُلقيات اثر متقابل دارند؛ به اين معنا كه هم رفتار در اخلاق تأثير مي‌گذارد و هم اخلاق در رفتار تأثيرگذار است (همان، ۱۳۸۸/۴/۳). جهت‌دهي اخلاقي، متناسب با قرائت اسلام، بيشتر نياز به آموزش و راهكارهاي فرهنگي و اغناي فكري آحاد جامعه دارد و در مواردی نيز كه منشأ مشكلات اخلاقي در جامعه اسلامي، بي‌مسئوليتي و لاابالي‌گري باشد، به منظور الزام قانوني، نياز به طراحي، تنظيم و انتشار آيين‌نامه‌هاي اخلاقي دارد كه امروزه با عنوان «مديريت اخلاق» از آن بحث مي‌شود. در واقع، مديريت اخلاق، نوعي شناسايي و اولويت‌ارزش‌ها، به منظور هدايت كنترل رفتارها است كه به‌كمك كدهاي

۱. رهبر شهيد انقلاب با تعبير «اخلاق رفتاري جامعه»، از رفتارهاي اخلاقي اجتماعي (بيانات، ۱۳۸۳/۹/۱۱) و با تعبير «خودسازي اخلاقي»، از رفتارهاي اخلاقي فردي ياد مي‌كنند (بيانات، ۱۳۷۰/۸/۱).

اخلاقی، کدهای رفتاری، خط‌مشی‌ها و رویه‌ها صورت می‌پذیرد (Carroll, 1998: 153-169). به گفته رهبر شهید انقلاب، ما در اخلاق عمومی و عدم رواج فضایل اخلاقی، مشکلاتی داریم که بهبود این وضعیت به کار و تلاش نیاز دارد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۵/۱۶). ایشان معتقدند که همگانی کردن اخلاق اسلامی یک ضرورت است (همان، ۱۳۹۴/۱/۱). این اخلاق نیز بر پایه قرآن باید در جامعه اسلامی محقق شود (همان، ۱۳۸۸/۷/۲۸). همان‌گونه که تمدن منحوس غربی نیز تلاش می‌کند تا اخلاق اجتماعی مبتنی بر فرهنگ غربی را به همه جا صادر کند (همان، ۱۳۶۹/۱۱/۴)؛ با آنکه از ابتدایی‌ترین مبانی اخلاق بشری بویی نبرده‌اند (همان، ۱۳۷۵/۱/۲۸). با این حال، از تهاجم اخلاقی به جامعه اسلامی، دست بر نمی‌دارند و می‌کوشند تا فرهنگ اباحه‌گری و بی‌مبالاتی اخلاقی خود را برای جوامع ما به ارمغان بیاورند؛ اما دور نخواهد بود، روزی که این لجن‌زار اخلاقی، تمدن کنونی غرب را از بین ببرد و محو کند (همان، ۱۳۷۶/۹/۱۸).

بر این اساس، نهادینه کردن اخلاق در جامعه اسلامی، نه به منزله یک انتظار، بلکه باید به یک اصل فردی و اجتماعی تبدیل شود و این مهم، نیازمند تلاشی بلندمدت است؛ به گونه‌ای که الزامات اخلاقی در نسل‌های مختلف، به تدریج توسعه و گسترش پیدا کند. نظام رفتاری برآمده از اصول اخلاقی، در چهار قلمرو ارتباط با خدا، ارتباط با خویشتن، ارتباط با انسان‌ها و ارتباط با جهان هستی قابل ترسیم است، که در صورت شکوفایی آن‌ها، اخلاق آدمی صورتی نظام‌مند به خود می‌گیرد و به کمال شایسته خواهد رسید (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۵).

۲-۳-۳. علم‌گرایی

علم، به مثابه یکی از مهم‌ترین شاخه‌های فرهنگی (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۵/۸؛ ۱۳۷۵/۹/۲۰؛ ۱۳۸۱/۱۱/۷)، محوری‌ترین رکن تمدنی به شمار می‌رود؛ به طوری که پایه‌های هر تمدنی مبتنی بر آن شکل می‌گیرد. سفارش اسلام به علم‌اندوزی و منزلتی که برای آن قائل است، یکی از عوامل پیدایی و شکوفایی تمدن اسلامی است؛ زیرا این توصیه، محرک اصلی مسلمانان برای کسب علم و دانش بوده است. به گفته رهبر شهید

انقلاب، روحیه دانش دوستی جزو تربیت‌های اسلامی است (همان، ۱۳۷۰/۱۰/۲۵). با توجه به اینکه ایران اسلامی داعیه ایجاد تمدن عظیم اسلامی را دارد (همان، ۱۳۷۷/۱/۲۷؛ ۱۳۹۴/۳/۱۴؛ ۱۳۹۸/۶/۲۷)، با پیشرانی در علم و تمدن جهانی، می‌توان این حیات طیبه (تمدن نوین اسلامی) را تأمین کرد (همان، ۱۳۹۴/۶/۲۵). از این رو، باید تلاش کرد تا در فرهنگ عمومی و نخبگانی جامعه، علم‌گرایی و علم‌دوستی حاکم شود (همان، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵) و «علم‌گرایی و علم‌محوری» در همه بخش‌ها، گفتمان مسلط جامعه بشود (همان، ۱۳۸۵/۵/۲۳). رهبر شهید انقلاب معتقد است: «ما به‌عنوان ملتی با استعداد باید به لحاظ علمی، خودمان را بالا بکشیم و به استعداد‌های درونی خودمان پردازیم و خصلت علمی و علم‌گرایی و تحقیق‌گرایی خود را زنده کنیم.» (همان، ۱۳۷۲/۸/۲۴) از نگاه ایشان، با الزام مردم به کتاب‌خوانی و الزام نخبگان به تولید کتاب، می‌توان فرهنگ عمومی جامعه را به سوی علم‌گرایی سوق داد (همان، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴).

۲-۳-۴. سبک زندگی اسلامی-ایرانی

سبک زندگی، مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در بر می‌گیرد. موسیقی عامه، تلویزیون، آگهی‌ها، همه‌وهمه، تصویرها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند (فیضی، ۱۳۹۲: ۳۰). از دهه هفتاد شمسی، رهبر شهید انقلاب تلاش کردند حساسیت افکار عمومی را درباره مقوله سبک زندگی و فرهنگ عمومی برانگیزند و کوشیدند تا اصلاح فرهنگ و سبک زندگی را به صورت یک راهبرد کلان ملی نهادینه کنند. از نگاه ایشان، سبک زندگی دایره‌ای گسترده دارد؛ به گونه‌ای که معماری، زندگی شهری، پیوندهای اجتماعی - تا همه مسائل گوناگون زیست انسانی - را در بر می‌گیرد (همان، ۱۳۹۱/۷/۲۳). از نگاه ایشان، تمدن نوین اسلامی دو بخش دارد: نخست، بخش سخت‌افزاری است که مقوله‌هایی مانند اختراع، صنعت و سیاست را در بر می‌گیرد؛ اما بخش دوم، که مهم‌تر است و بخش حقیقی تمدن محسوب می‌شود، بخش نرم‌افزاری تمدن است که متن زندگی ما را شکل می‌دهد و همان سبک زندگی است. این بخش اصلی تمدن، شامل همه رفتارهای فردی و اجتماعی ما می‌شود.

«مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب‌وکار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرنوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه، این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است.» (همان، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

ایشان در بیانی دیگر، سبک زندگی را متن تمدن اسلامی دانسته و معتقد است اصلاح آن، یک جهاد بزرگ است (همان، ۱۳۹۲/۵/۱). در این صورت، سبک زندگی یکی از ارکان مهم تمدن نوین اسلامی است که اصلاح آن یک الزام و درعین حال، یک راهبرد محسوب می‌شود. این راهبرد، آن‌گاه ملموس‌تر می‌شود که بدانیم در جبهه مقابل، یکی از راهبردهای اصلی دشمنان امت اسلامی، تغییر در سبک زندگی مسلمانان است. در واقع، سبک زندگی مسلمانان، یکی از مسائل مهمی است که دشمنان ملت ایران و اسلام در پی تغییر آن و هم‌سو کردن آن با سبک زندگی خودشان هستند (همان، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴). از این رو، مهم است که سبک زندگی ما، ما را به سوی تمدن نوین اسلامی می‌کشاند یا به سوی وابستگی به غرب سوق می‌دهد (همان، ۱۳۹۵/۵/۳۱). به همین دلیل، دشمن روی تربیت رفتاری و سبک زندگی مسلمان ایرانی متمرکز شده است، که بسیار مخاطره‌آمیز است؛ زیرا در صورت موفقیت، تغییر رفتار، سبک زندگی نیز تغییر می‌یابد و به دنبال آن، جهان‌بینی و نگرش‌ها نیز تحول پیدا می‌کند و به تضعیف و تغییر هویتی منجر می‌گردد. از این رو، قائد شهید انقلاب سبک زندگی را میدان منازعه میان ایران اسلامی با غرب به‌رهبری آمریکا می‌داند و معتقد است که دشمن، با کمک غرب‌زدگان داخلی، به دنبال غربی کردن سبک زندگی در ایران هستند (همان، ۱۳۹۸/۱/۱). باید توجه داشت که استقلال فرهنگی نیز بر پایه برگزیدن سبک زندگی اسلامی-ایرانی است و تقلید از غرب و بیگانه در سبک زندگی، درست نقطه مقابل استقلال فرهنگی است (همان، ۱۳۹۵/۳/۱۴).

بنابراین، قدم اول در اصلاح سبک زندگی اسلامی-ایرانی و شرط رسیدن به تمدن نوین اسلامی نوین، در درجه اول این است که از تقلید غربی - که متأسفانه در طول سال‌های متمادی به آن عادت داشته‌ایم - پرهیز شود (همان، ۱۳۹۱/۷/۲۳). البته درون سبک زندگی، ما نیز موانع مهمی، نظیر «مصرف‌گرایی»، «اسراف»، «رفاه‌طلبی افراطی»، «اشرفی‌گری»، «پرخوری»، «ولخرجی»، «مصرف جنس خارجی» و... وجود دارد که آحاد مردم باید در اصلاح آن کوشش کنند (همان، ۱۳۹۷/۱/۱). رهبر شهید انقلاب معتقد است برای رهایی از سبک زندگی غربی و نیز عبور از مشکلات درونی باید سبک زندگی را، که قضاوت درباره یک تمدن مبتنی بر این‌ها است، اصلاح کرد (همان، ۱۳۹۱/۷/۲۳). از نگاه ایشان، با کمک ابزارهای فرهنگ‌سازی، نظیر رسانه و هنر، می‌توان با ترویج «سیره و سبک زندگی اهل بیت □» (همان، ۱۳۹۸/۱۱/۲۶) و «الگوگیری از سبک زندگی شهیدان» (همان، ۱۳۹۵/۷/۵)، گامی مؤثر در اصلاح سبک زندگی اسلامی-ایرانی برداشت؛ همچنان‌که قرآن در اصلاح سبک زندگی محوریت دارد (همان، ۱۳۹۲/۴/۱۹).

۲-۴. الزامات رفتاری در حوزه اجتماعی

جامعه بستر شکل‌گیری تمدن به شمار می‌رود. اساساً همه تعاریف تمدنی از سوی تمدن‌پژوهان با محوریت جامعه تعریف شده است. از دیدگاه توین‌بی، تمدن تلاشی برای ساختن جامعه‌ای است که همگان بتوانند با همیاری یکدیگر، درون آن زندگی کنند (توین‌بی، ۱۳۷۶: ۴۸). از نگاه او، تمدن همان جامعه است که در عصر معینی موجودیت می‌یابد. از نگاه وبر، تمدن کارکردهای عینی، فنی و اطلاعاتی جامعه است؛ همان‌طور که فرهنگ کارکردهای ذهنی جامعه است (آشوری، ۱۳۷۹: ۴۸). از نگاه ویل دورانت نیز تمدن، نظم اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر شده و جریان پیدا می‌کند (دورانت، ۱۳۳۷، ج ۱: ۴). علاوه بر ده‌ها تعریف دیگر، که محققان در همین راستا از تمدن دارند، رهبر شهید انقلاب نیز در ترسیم که از فرایند پنج‌مرحله‌ای تمدن نوین اسلامی کرده‌اند، پدیدار شدن جامعه اسلامی را پس از مراحل دیگر و پیش از تحقق نهایی تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار داده‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

بنابراین، کنش‌های رفتاری آحاد جامعه، تأثیری مستقیم در پیدایی جامعه اسلامی دارد. اگر رفتارها با اصول و مبانی اسلامی هم‌سویی داشته باشد، به ایجاد جامعه اسلامی نزدیک می‌شویم و اگر با آموزه‌های اسلامی واگرایی داشته باشد، از رسیدن به جامعه اسلامی محروم خواهیم شد.

بخش مهمی از بایسته‌های رفتاری که ذیل الزامات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گذشت، به‌نوعی از بایسته‌های رفتاری در حوزه اجتماعی نیز محسوب می‌شود؛ اما در این قسمت از پژوهش، سه مفهوم «وحدت و انسجام اجتماعی»، «تعامل ایثارگرانه» و «مسئولیت‌پذیری»، که به‌طور مستقیم با مسائل اجتماعی و مفاهیم جمعی ارتباط پیدا می‌کند، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۲-۴-۱. وحدت ملی و انسجام اسلامی

همبستگی و اتحاد در جامعه اسلامی، ریشه قرآنی دارد. خدای متعال در قرآن کریم، همه مسلمانان را به وحدت و عدم تفرقه امر فرموده است.^۱ بنابراین، اصل همبستگی و اتحاد پیش از آنکه یکی از بایدهای اجتماعی باشد، یک دستور الهی و تکلیف اسلامی است. از نگاه رهبر شهید انقلاب، «اتحاد ملی» یعنی خانواده ملت و خانواده انقلاب، وحدت و درون‌گرایی و اتصال و چسبندگی خود را به یکدیگر حفظ کنند و نگذارند واگرایی به وجود بیاید (همان، ۱۳۸۶/۱۱/۲۸) و مفهوم «انسجام اسلامی» یعنی از تحریک شدن عصبیت‌های بین‌المذهبی مسلمانان دربارۀ یکدیگر جلوگیری شود (همان، ۱۳۸۶/۴/۱۴). اتحاد ملی و انسجام اسلامی، یک راهبرد در آینده تمدنی اسلام به شمار می‌رود. این دو اصطلاح گرچه بار معنایی جدایی دارند، اما مکمل یکدیگر هستند؛ زیرا یک رابطه و حرکت جزء به کل، میان آن‌ها برقرار است؛ یعنی اتحاد ملی جزئی از انسجام اسلامی است. از این‌رو، رهبر شهید انقلاب، ضمن نام‌گذاری سال «۱۳۸۶» به «اتحاد ملی و انسجام اسلامی»، می‌فرماید: «به نظر من امسال، سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» است؛ یعنی در درون ملت ما، اتحاد کلمه همه آحاد ملت و قومیت‌های گوناگون و مذاهب گوناگون و

۱. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران: ۱۰۳).

اصناف گوناگون ملی، و در سطح بین‌المللی، انسجام میان همه مسلمانان و روابط برادرانه میان آحاد امت اسلامی از مذاهب گوناگون و وحدت کلمه آن‌ها.» (همان، ۱۳۸۶/۱/۱).

در مقابل، تهاجم به وحدت ملی و انسجام اسلامی همواره به مثابه یک راهبرد ازسوی دشمنان ایران و اسلام دنبال شده است. به فرموده رهبر شهید انقلاب: «سیاست اصلی و راهبردی آنان در مورد کشور ما، شکاف افکندن در صفوف متحد و یکپارچه مردم مسلمان و انقلابی ایران است.» (همان، ۱۳۸۰/۲/۴) ایشان در بیانی دیگر می‌گوید: «عزیزان من! یک سیاست خباثت‌آلودی، از آغاز انقلاب سعی کرد اقوام ایرانی را از یکدیگر جدا کند و با بهانه‌های مختلف، بیکره عظیم ملت ایران را تکه‌تکه کند. با هر قومی از اقوام متنوع ایرانی (فارس، ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و لر) جداگانه یک تلقین شیطانی را در میان می‌گذاشتند تا دل‌ها را از هم چرکین کنند.» (همان، ۱۳۸۸/۲/۲۲).

ایشان در زمینه تهاجم دشمنان به انسجام اسلامی نیز معتقدند کشورهای مسلمان باید از دشمنی با یکدیگر و تشدید اختلافات قومی و فرقه‌ای، نظیر شیعه و سنی، عرب و عجم، و مانند آن، برحذر باشند و همگی حول محور امت بزرگ اسلامی قرار بگیرند. امت اسلامی باید بداند که دنیای غرب تاکنون، شکاف‌های عمیقی در میان این مجموعه عظیم انداخته و مسلمانان را در مقابل یکدیگر قرار داده است. بنابراین، با منسجم شدن باید در برابر این ترغیب دشمن ایستاد (بیانات، ۱۳۸۶/۵/۲). ایشان تفرقه‌افکنی میان شیعه و سنی در جوامع اسلامی را یکی از مصادیق بارز تهاجم دشمن در این زمینه می‌دانند و معتقدند که دشمن، مزدورانی در لباس شیعه و مزدورانی در لباس سنی تربیت می‌کنند تا در جهان اسلام آتش فتنه را برافروزند (همان، ۱۳۹۲/۶/۱۴). ایشان از آن‌ها با عنوان «سنی آمریکایی» و «شیعه انگلیسی» تعبیر می‌کنند (همان، ۱۳۹۵/۹/۲۷).

از این رو، همواره یکی از تأکیدهای جدی رهبر شهید انقلاب، حفظ وحدت و انسجام به منزله یک راهبرد در تقابل با راهبرد خصمانه دشمنان بوده است. همچنان‌که به گفته شهید مطهری □ نیز غرب استعمارگر سال‌هاست که برای پیشگیری از نیل به اسلام ناب، تحت حکومت اسلامی، راهبرد مشخص تفرقه‌افکنی را در پیش گرفته است؛ برای خنثی کردن این

برنامه، اتخاذ راهبرد وحدت، ضروری است (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱۴: ۵۵). به همین دلیل، رهبر انقلاب معتقدند هرکسی در جهت اختلاف حرف بزند، بلندگوی دشمن است و دشمن اسلام و قرآن خواهد بود (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۳/۲).

اروپایی‌ها به‌رغم همه اختلافاتی که دارند و با توجه به سابقه خونینی که میان آن‌ها بوده و در جنگ جهانی اول و دوم، نزدیک به صد میلیون نفر از خودشان را کشتند؛ اما امروز به‌نام اتحادیه اروپا دور هم جمع شده‌اند و ارتش واحد ناتو، زبان واحد، پول واحد و قانون اساسی واحد دارند. آن‌ها با این همه اختلاف متحد می‌شوند؛ چرا مسلمین با این همه قدرت نمی‌توانند با همدیگر متحد شوند؟ واقعاً اگر متحد شوند سرنوشت جهان اسلام تغییر می‌کند (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۷: ۷۹). از این رو، انسجام اسلامی یک فریضه حتمی است که با همکاری خردمندان و دلسوزان، راه‌های عملی آن دست‌یافتنی است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۹/۲۷).

یکی از راهکارها برای تحقق این هدف، این است که مجمع جهانی مذاهب اسلامی «دیپلماسی وحدت اسلامی» را به‌منزله یک راهبرد برای تشکیل امت واحد اسلامی تشکیل دهد (همان، ۱۳۹۱/۴/۲۰). به‌رغم آنکه اختلافات مبنایی در جامعه اسلامی وجود دارد؛ اما می‌توان با تکیه بر مشترکات به‌جای مسائل فرعی، اتحاد ملی و انسجام اسلامی را به ارمغان آورد (همان، ۱۳۸۶/۱/۱). در جهان اسلام، ظرفیت‌های فراوان مشترکی، نظیر نماز، حج، قرآن و شخصیت وحدت‌بخش پیامبر، وجود دارد (همان، ۱۳۹۱/۱۱/۱۰؛ ۱۳۹۷/۴/۲۵؛ ۱۳۹۴/۱۰/۸) که در کنار جمعیت فوق‌العاده یک‌ونیم‌میلیاردی مسلمانان، که موقعیت‌های بی‌نظیر جغرافیایی، منابع طبیعی و حیاتی در سراسر عالم را در دست دارند، می‌توان پیکره واحدی به‌نام امت اسلامی را پدید آورد (همان، ۱۳۸۸/۱۲/۱۳). بنابراین، امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه می‌تواند تمدن اسلامی مناسب این دوران را طراحی و شالوده‌ریزی کند و به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار بدهد (همان، ۱۳۹۴/۱۰/۸).

۲-۴-۲. تعامل ایثارگرانه

ایثار به‌معنای از خودگذشتگی، بخشیدن و دیگری را بر خود ترجیح دادن است (معین،

۱۳۶۴: ۴۵). برخی نیز در توصیف ایثارگری، میل به خدمت‌رسانی و خدمت به دیگران را نشانه‌ای از میل به حق توصیف کرده‌اند و رفتاری که از این مسئله با قصد قربت نشئت می‌گیرد را ایثارگری دانسته‌اند، که البته گاهی منافع شخص فداکار نیز از بین می‌رود (سالاریان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۹-۱۷۵). از این رو، ایثار در معنای کلی خود، یعنی ترجیح دادن دیگران بر خود که زمینه بروز ارزش‌های مطلوب را در نظام اجتماعی فراهم می‌سازد. مقوله ایثارگری در روایات نیز بسیار ستایش و به منزله یکی از صفات مؤمنین مطرح شده است؛ برای نمونه، «کسی که ایثار کند، سزاوار نام فضیلت مندی است» (تمیمی، ۱۴۱۰ق: ۶۴۲)؛ «کسی که ایثار می‌کند، در مروت به اوج رسیده است» (همان: ۳۹۶)؛ «ایثار بهترین احسان و بالاترین مرتبه ایمان است» (همان: ۹۰).

بنابراین، یکی از الزامات، که در حوزه اجتماعی با آن روبه‌رو هستیم، تعامل ایثارگرانه است؛ به این معنا که آحاد جامعه، درباره یکدیگر از خودگذشتگی و شفقت نشان دهند تا فضای حاکم بر جامعه، فضای دوستی و مهربانی باشد. این فضا کمک می‌کند تا افراد جامعه هم‌زیستی بهتری داشته باشند و در پرتو این بستر، جامعه متعالی اسلامی شکل بگیرد. چنان‌که به‌گفته رهبر شهید انقلاب، روحیه ایثارگری نجات‌بخش کشور و ملت است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۱). البته ملت ایران در این زمینه، یکی از ملت‌های ممتاز است و کارنامه قابل قبولی دارد. رهبر شهید انقلاب معتقد است که برای ملت ما، مسئله ایثارگری، یک فرهنگ تاریخی است و بسیاری از ملت‌های دیگر، چنین تاریخ باشکوهی ندارند؛ به‌گونه‌ای که بهترین‌ها، صادق‌ترین‌ها، شجاع‌ترین‌ها و برجسته‌ترین‌ها، در صفوف مقدم ایثارگری قرار گرفته باشند (همان، ۱۳۷۹/۸/۲۴). بنابراین، ایثارگری یکی از خصوصیات بارز ملت ایران است که در همه عرصه‌ها، از جمله سیل، زلزله، تحمیل جنگ و... مشاهده می‌شود و در کشورهای دیگر، چنین پدیده‌ای با این قوت قابل رؤیت نیست (همان، ۱۳۹۹/۵/۱۰).

۲-۴-۳. مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری، از عناصر کلیدی در حرکت به سوی تحول و پیشرفت، یک هنر عملیاتی

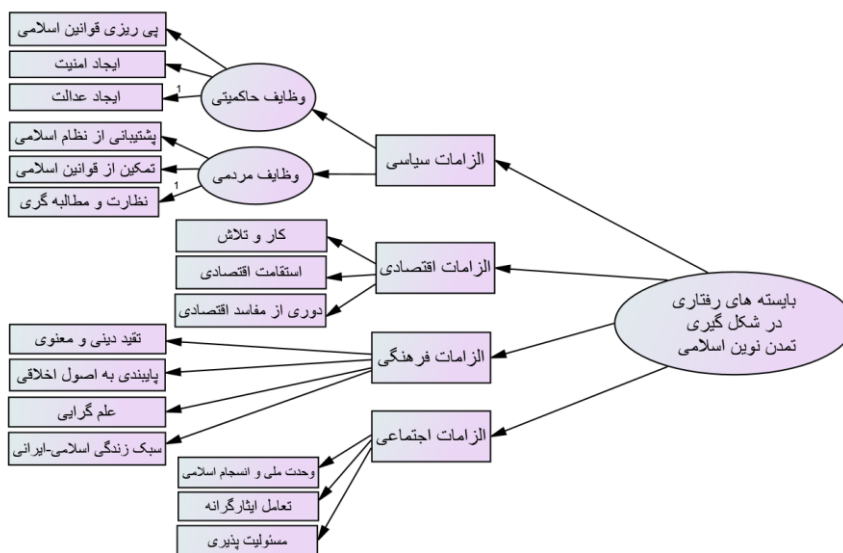
به شمار می‌رود. در واقع، مسئولیت‌پذیری درست و صحیح، از سوی آحاد جامعه و هم‌افزایی آنان با یکدیگر است که موجب روند روبه‌رشد جوامع و زمینه‌ساز تحقق تمدن اسلامی خواهد بود. از همین رو، کسی که مسئولیتی در جامعه به عهده می‌گیرد، به این معناست که آگاهانه تصمیم می‌گیرد و رفتاری منطقی و صحیح را دنبال می‌کند؛ به‌گونه‌ای که عواقب ناشی از آن را می‌پذیرد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی در معنای کلی، به معنای مسئولیت هر فرد درباره دیگر انسان‌ها و مجموعه‌های اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند (ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۳: ۶۳۴-۶۳۵). از سوی دیگر، مسئولیت اجتماعی در اسلام نیز عبارت است از درونی کردن مفاهیم بنیادین اسلام در ذهن هر کنشگر انسانی؛ به نحوی که این مفاهیم بتوانند همچون راهنمای عمل وی در نظر گرفته شوند و کنشگر انسانی به نحوی رفتار کند که سعادت هر دو جهانی خود و جامعه‌اش و در معنایی فراتر، جامعه جهانی خویش را در نظر داشته باشد (همان: ۶۵۰).

بنابراین، هم به لحاظ اجتماعی و هم به لحاظ دینی، مسئولیت‌پذیری یک وظیفه مهم همگانی در جامعه محسوب می‌شود. خوشبختانه نمونه‌های ارزشمندی از حس مسئولیت‌پذیری در جامعه ایرانی وجود دارد. دوران دفاع مقدس، یکی از مقاطعی است که احساس مسئولیت آحاد جامعه در آن موج می‌زند. به گفته رهبر شهید انقلاب، احساس مسئولیت در دوران دفاع مقدس موجب شد تا اکثر جوان‌های متعهد به میدان بیایند و راه سخت را بر زندگی راحت ترجیح دهند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۸/۸). ایشان معتقد است که امروز نیز احساس مسئولیت بیشتری در قبال نظام اسلامی، میان مردم موج می‌زند؛ به‌گونه‌ای که اگر حادثه‌ای مانند دفاع مقدس پیش بیاید، کسانی که وارد میدان می‌شوند به مراتب بیشتر از دوران دفاع مقدس خواهد بود (همان، ۱۳۸۸/۱۲/۶). نه تنها در جنگ مقابل دشمنان، بلکه در هر مناسبتی که نیاز به ایفای نقش باشد، مردم آنجا حاضر هستند و ایفای نقش می‌کنند. به فرموده رهبر شهید انقلاب، مشارکت در انتخابات (همان، ۱۳۸۸/۳/۲۹) و زحمات کادر درمانی در ایام کرونا (همان، ۱۳۹۸/۱۲/۱۳)، نمونه‌های برجسته‌ای از حس مسئولیت‌پذیری در ملت ایران است. ایشان احساس مسئولیت را تکلیفی

همگانی و برای افرادی که حرف و سخنشان تأثیر دارد، ضروری‌تر دانسته‌اند (همان، ۱۳۸۸/۱۱/۶). از نگاه ایشان، احساس مسئولیت فقط درون‌ملی نیست، بلکه باید درباره همه جوامع مسلمان، احساس مسئولیت داشت (همان، ۱۳۶۹/۶/۱).

نتیجه‌گیری

پیدایی تمدن نوین اسلامی، به منزله مهم‌ترین آرمان انقلاب اسلامی، بیش از آنکه امری اتفاقی باشد، نیازمند همت، تلاش و مجاهدت آحاد مردمی است و تکیه بر داشته‌های نظام تمدنی غرب و تقلید از آن، چیزی به جز ایستایی یا عقب‌گرد نصیب تمدن اسلامی نخواهد کرد. از این رو، ضروری است با نگاهی به آموزه‌های اسلامی، بایسته‌های رفتاری در نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی و نظام اجتماعی را بازتعریف و بازنگری کرد تا شکلی نظام‌مند از کنش‌های رفتاری آحاد جامعه هم‌سو با آن پدید آید؛ زیرا تمدن اسلامی مبتنی بر رفتارهای اسلامی در عرصه‌های چندگانه ذکرشده، قابل‌تصور است و نمی‌توان تمدنی را برآمده از اسلام تصور کرد که کنش‌های رفتاری در عرصه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن با الزامات اسلامی سازواری و سازگاری لازم را نداشته باشد. در پژوهش پیش‌رو، بخشی از مهم‌ترین الزاماتی که در چهار حوزه مذکور انتظار می‌رود، بررسی شد، که التزام فردی و جمعی درباره این امور، مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را هموارتر از گذشته می‌سازد.



نمودار ۱: بایسته‌های رفتاری در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی
(منبع: یافته‌های پژوهش)

تشکر و سپاسگزاری

بدین وسیله از تمام پژوهشگرانی که از مطالعات آن‌ها در این پژوهش استفاده شد، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

این مطالعه برای نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته است.

منابع مالی

این پژوهش هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول. (علی اکبر غفاری، مصحح). قم، جامعه مدرسین.

اسکندری، محمد (۱۳۷۸). نگاهی به مفهوم سیاست. روش‌شناسی علوم انسانی، ۵(۲۱)، ۸۴-۱۱۳.

ایمان، محمدتقی، و کلاته ساداتی، احمد (۱۳۹۳). روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان (ارائه مدلی روش‌شناختی از علم اسلامی). قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

آشوری، داریوش (۱۳۷۹). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران، آگاه.

بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات. دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.

بیرو، آلن (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی. (باقر ساروخانی، مترجم). تهران، کیهان.

تمیمی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم، دارالکتاب الاسلامی.

توبین‌بی، آرنولد جوزف (۱۳۷۶). بررسی تاریخ تمدن. (محمدحسین آریا، مترجم). تهران، امیرکبیر.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). گستره دین. قم، اسراء.

دورانت، ویل (۱۳۳۷). تاریخ تمدن. (احمد آرام، مترجم). تهران، اقبال.

رحیم‌پور ازغدی، حسن (۱۳۹۷). امت اسلامی. تهران، انقلاب اسلامی.

سالاریان، شاهرخ، اصفهانی، سیدعبدالله، و شفیق اسکی، محمد (۱۳۹۸). بایسته‌های

مهندسی فرهنگ در جامعه از منظر قرآن با تأکید بر نقش فرهنگ ایثار. شاهد اندیشه، ۱(۱)،

۱۷۵-۱۳۹.

سلطان محمدی، حسین (۱۳۸۲). نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی از منظر خواجه نصیرالدین

طوسی. معرفت، ۱۲(۶۶)، ۹۴-۱۰۵.

شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۷). دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی. تهران، کیهان.

شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۸). درآمدی بر روانشناسی تنظیم رفتار از دیدگاه اسلامی. قم،

دارالحدیث.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. (محمدباقر موسوی همدانی،

مترجم). قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). مکارم الاخلاق. قم، الشریف الرضی.

فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۸۷). محجة البیضاء. مشهد، آستان قدس رضوی.

فیضی، مجتبی. (۱۳۹۲). درآمدی بر سبک زندگی اسلامی. معرفت، ۲۲(۱۸۵)، ۲۷-۴۲.

کرام‌الدینی، محمد (۱۳۹۷). رفتارشناسی. تهران، فاطمی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 کوئن، بروس (۱۳۸۳). درآمدی به جامعه‌شناسی. (محسن ثلاثی، مترجم). تهران، توتیا.
 گی روشه (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی. (هما زنجانی‌زاده، مترجم). تهران، سمت.
 گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی. (حسن چاوشیان، مترجم). نشرنی.
 مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار. تهران، صدرا.
 معین، محمد (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی. تهران، امیرکبیر.
 موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی علیه السلام.
 نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم، مؤسسه
 آل‌البیت علیهم السلام.

Carroll, Ray (1998). A Model for Ethical Education in Accounting. In *Ethical Issues in Accounting*.
 Routledge.

Swedberg, Richard (2010). A Note on Civilizations and Economies. *European Journal of Social
 Theory*, 13(1), 15–30.

Transliterated Bibliography

The Holy Qur'an. [In Arabic]

Āshūrī, D. (2000). *Definitions and the concept of culture*. Tehran: Agāh Publishing. [In Persian].

Birou, A. (2001). *Dictionary of the social sciences* (B. Saroukhānī, Trans.). Tehran: Kayhān
 Publishing. [In Persian].

Carroll, R. (1998). A model for ethical education in accounting. In *Ethical issues in accounting*.
 London: Routledge. [In English].

Cohen, B. (2004). *An introduction to sociology* (M. Salāsi, Trans.). Tehran: Tūtīyā Publishing. [In
 Persian].

Durant, W. (1958). *The story of civilization* (A. Ārām, Trans.). Tehran: Iqbāl Publishing. [In Persian].

Eskandari, M. (1999). A reflection on the concept of politics. *Methodology of Human Sciences*,
 5(21), 84–113. [In Persian].

Fayḍ Kāshānī, M. M. (2008). *Al-Maḥajjah al-Bayḍā'*. Mashhad: Āstān Quds Razavī Publishing.
 [In Arabic].

Feyzi, M. (2013). An introduction to the Islamic lifestyle. *Ma' refat*, 22(185), 27–42. [In Persian].

Giddens, A. (2008). *Sociology* (H. Chavoshian, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian].

Iman, M. T., & Kalateh Sadati, A. (2014). Methodology of the human sciences among Muslim
 thinkers (Presenting a methodological model of Islamic science). Qom: Ḥawzah and University
 Research Institute. [In Persian].

Ibn Shu'bah al-Ḥarrānī, H. ibn 'A. (1984). *Tuḥaf al-'uqūl* (A. A. Ghaffārī, Ed.). Qom: Jāmi'at
 al-Mudarrisīn. [In Arabic].

- Jawādī Āmulī, A. (2012). *The scope of religion*. Qom: Esrā' Publications.
- Keram al-Dini, M. (2018). *Behaviorology*. Tehran: Fāṭemī Publishing.
- Khamenei, S. A. (n.d.). *Statements and speeches*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir> [In Persian].
- Al-Kulaynī, M. ibn Y. (1986). *Al-Kāfī*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. [In Arabic].
- Mo' in, M. (1985). *Persian dictionary*. Tehran: Amīr Kabīr Publishing. [In Persian].
- Motahhari, M. (2011). *Collected works*. Tehran: Sadra Publications. [In Persian].
- Mūsavī Khomeinī, S. R. (2006). *Ṣaḥīfah-ye Imām*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeinī's Works. [In Persian].
- Nūrī, H. ibn M. T. (1987). *Mustadrak al-wasā'il wa mustanbaṭ al-masā'il*. Qom: Mu' assasat Āl al-Bayt. [In Arabic].
- Rahimpour Azghadi, H. (2018). *The Islamic ummah*. Tehran: Enqelāb-e Eslāmī Publishing. [In Persian].
- Rocher, G. (2010). *Introduction to general sociology* (H. Zanjānīzādeh, Trans.). Tehran: SAMT Publications. [In Persian].
- Salarian, S., Esfahani, S. A., & Shafiq Eski, M. (2019). The requirements of cultural engineering in society from the perspective of the Qur'an with emphasis on the role of the culture of sacrifice. *Shāhed Andisheh*, 1(1), 139–175. [In Persian].
- Shayanmehr, A. (1998). *Comparative encyclopedia of social sciences*. Tehran: Kayhān Publishing. [In Persian].
- Shojaei, M. S. (2009). An introduction to the psychology of behavioral regulation from an Islamic perspective. Qom: Dār al-Ḥadīth. [In Persian].
- Soltanmohammadi, H. (2003). Economic theories and policies from the perspective of Khwājah Naṣīr al-Dīn Ṭūsī. *Ma' refat*, 12(66), 94–105. [In Persian].
- Swedberg, R. (2010). A note on civilizations and economies. *European Journal of Social Theory*, 13(1), 15–30.
- Ṭabāṭabā'ī, M. H. (1995). *Al-Mīzān fī tafsīr al-Qur' ān* (M. B. Mousavi Hamedani, Trans.). Qom: Daftar-e Enteshārāt-e Eslāmī. [In Persian].
- Ṭabarsī, H. ibn F. (1991). *Makārim al-akhlāq*. Qom: Al-Sharīf al-Raḍī Publications. [In Arabic].
- Tamīmī, ' A. W. ibn M. (1989). *Ghurar al-ḥikam wa durar al-kalim*. Qom: Dār al-Kitāb al-Islāmī. [In Arabic].
- Toynbee, A. J. (1997). *A study of civilization* (M. H. Āriyā, Trans.). Tehran: Amīr Kabīr Publishing. [In Persian].